

# رنگ جادو

(کتاب اول از مجموعه‌ی دنیای تخت)

www.ketab.ir

نویسنده: تری پرچر

مترجم: نرگس شربتی



کتابسرای تندیس

www.ketab.ir

---

|                                                                   |                     |
|-------------------------------------------------------------------|---------------------|
| پرچت، تری، ۱۹۴۸ - م. Pratchett, Terry                             | سرشناسه             |
| رنگ جادو/ تری پرچت؛ ترجمه‌ی نرگس شربنی؛ ویراستار رضا اسکندری آذر. | عنوان و نام پدیدآور |
| تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۹۹.                                      | مشخصات نشر :        |
| ۲۴۸ ص.                                                            | مشخصات ظاهری        |
| دنیای تخت؛ کتاب اول.                                              | فروست               |
| ۶ - ۶۷۲ - ۱۸۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸                                         | شابک                |
| فیبا                                                              | وضعیت فهرست نویسی   |
| عنوان اصلی: The colour of magic : a Discworld nove.               | یادداشت             |
| داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.                                    | موضوع               |
| English fiction - 20th century                                    | موضوع               |
| شربنی، نرگس، ۱۳۶۴ مترجم                                           | شناسه افزوده        |
| اسکندری آذر، رضا، ۱۳۵۸ -، ویراستار                                | شناسه افزوده        |
| PZ۳:                                                              | رده بندی کنگره      |
| ۸۲۳/۹۱۴:                                                          | رده بندی دیویی      |
| ۷۴۴۵۸۹۷:                                                          | شماره کتابشناسی ملی |
| فیبا                                                              | وضعیت رکورد         |

www.ketab.ir



رنگ جادو

نویسنده: تری پرچت

مترجم: فرگس شربتی

چاپ دوم: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰

چاپ: غزال

صحافی: کیمیا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۶۷۲-۶

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ تومان

دفتر: تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به خیابان استاد مطهری، خیابان حسینی‌راد، پلاک ۱۰ واحد ۲  
کتابفروشی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به خیابان استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷  
تلفن: ۰۲۱۸۸۸۹۲۹۱۷ - ۰۲۱۸۸۹۱۳۸۷۹  
www.tandispub.com

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

### مقدمه‌ی نویسنده

اگه به ازای هر باری که کبسی ازم پرسیده ایده‌ی خلق رمان‌های مجموعه‌ی دنیای تخت رو از کجام آوردم، یه پپی گفته بودم، الان... خب،... دقیقاً ۴ پوند و ۶۷ پنی داشتم. خلاصه، حقیقت اینه که من همین حوالی افتاده و از قرار معلوم مال هیچ کس دیگه‌ای نبود.

دنیای ما روی پشت یه لاک‌پشت غول‌پیکر و یه فضای لایتناهی در حرکت. این یکی از افسانه‌های باستانی معروفه؛ اما این افسانه از کجا به وجود شده؟ به احتمال زیاد از یه جایی که آدم‌ها و لاک‌پشت‌ها دور هم جمع می‌شدن؛ و اون قضیه‌ی چهارتا فیل غول‌پیکر که سیاره رو روی پشتشون حمل می‌کنن... خب اون هم یه روایت پیچیده‌ی هندی اروپایی بوده. این ایده به مدت چند قرن توی اتاق‌های چوبی اساطیر، تویه کنجی برای خودش خاک می‌خورد. تنها کاری که باید می‌کردم این بود که قاپش بزنم و قبل از اینکه صدای آژیر دزدگیر بلند بشه، فرار کنم.

از اونجایی که این کتاب به تقاضای مکرر عموم تجدید چاپ شده -عجب!- و اولین رمان از مجموعه رمان‌هاییه که قراره حداقل به صورت ده جلد منتشر بشن، به احتمال زیاد می‌دونید بعد از این کتاب چه اتفاقی قراره بیفته؛ که البته خودم وقتی داشتم اون رو می‌نوشتم، نمی‌دونستم.

دنیای تخت یه دنیای فانتزی منسجم نیست. از لحاظ جغرافیایی کمی درهم‌برهمه

و شرح وقایعش... راستش... چندان نمی‌شه روشن حساب کرد. یه حلقه‌ی آتشین کوچیک که داشته تو فضای سرد لایتناهی سفر می‌کرده، از فضای روزگار تبدیل شده به زادگاه جولا‌های مستهجن و کارهای دقیقه آخری.

تو این دنیا از نقشه خبری نیست. چون واسه طنز که نمی‌شه نقشه کشید؛ می‌شه؟ خلاصه که نقشه‌ی فانتزی‌ای که فضای پشت اون پُر از خطرات مختلف باشه، دیگه نقشه نیست. توی این دنیا که اسمش رو گذاشتن دنیای تخت، تنها چیزی که می‌دونیم اینه که خطر همه‌جا در کمین آدمه. شاید تمام این خطرهای پوست فلس‌دار و زبون‌های چنگک‌دار نداشته باشن، اما به هر حال همین اطراف حاضرن، نیششون بازه، هی به آدم تنه و سقلمه می‌زنن و تمام زورشون رو می‌زنن تا چیزی بهت بفروشن. پس بخونید و لذت ببرید.

تری پرچت

www.ketab.ir



## پیش درآمد

یه جایی تویه بُعد خیلی دور و کم و بیش دست دوم، روی یه تکه زمین مسطح که قرار نبوده هیچ وقت به پرواز دریاد، ابرهای سحابی تکون می خورن، از هم باز می شن و لاک پشت غول آسا، آتوئین بزرگ، آروم آروم از میون خلیج بین ستاره ای ظاهر می شه، در حالی که هیدروژن روی پاهای بزرگش منجمد و لاک عظیم و کهن سالش از سقوط شهاب سنگ ها در نقاط زیادی سوراخ شده چشم های این لاک پشت که هر کدوم به اندازه ی یه دریا هستن و قبی و غبار بین ستاره ای روشن خشک شده، صاف روی مقصدش ثابت موندن. لاک پشت به اون مغزی که از یه شهر بزرگ تره و با اون کاهلی ژنولوژیک خاص خودش، به تنها چیزی که فکر می کنه سنگینی رو فرستاده.

البته بخش اعظم این سنگینی به خاطر برلیا، توبول، تیریل، بزرگ و جراکینه؛ یعنی چهار فیل عظیمی که دنیای تخت ما روی شونه های پهنشون که از نور ستاره ها سوخته شده، قرار گرفته. این دنیا میون حلقه ی آبشارهای پُر ارتفاع و محیط پهناورش قرار گرفته و از بالا با یه طاق کوچیک گنبدی به رنگ آبی آسمونی پوشونده شده.

علم ستاره وانشناسی هنوز در پی اینه که بفهمه این چهار تا فیل به چی فکر می کنن. لاک پشت عظیم طی قرن های متمادی، فقط یه اسطوره بود تا اینکه یه روز، مردم امپراتوری کوچک و مرموز کرول که کوه های سر به فلک کشیده ش روی آبشار عظیم لبه ی دنیا سایه انداخته بودن، نوک بلندترین صخره ی امپراتوری به جرثقیل قرقره دار نصب کردن و یه عده محقق و جانور فضایی شناس رو با یه شناور برنجی بزرگ با پنجره هایی از جنس کوارتز روی لبه ی اون فرود آوردن تا از لای پرده ی مه سرکی به اون پایین مابین ها بکشن. جانور فضایی شناس های اون دوره با یه جرثقیل که طناب هاش رو تعداد زیادی برده

می کشیدن، به دنیای تخت برگشتن و اطلاعاتی درباره‌ی شکل و ماهیت وجودی آتوئین و چهار فیل بزرگ با خودشون آوردن، اما باز هم نتوانستن پاسخ سؤالات بنیادی درباره‌ی ماهیت و هدف جهان هستی رو پیدا کنن.

مثلاً: جنسیت واقعی آتوئین چیه؟

جانور فضایی شناس ها با اقتدار خاصی اعلام کردن که این سؤال سرنوشت ساز جواب داده نمی شه مگر اینکه یه جرثقیل بزرگ تر و قدرتمندتر ساخته بشه که بتونه یه شناور فضایی بزرگ تر رو به عمق فضا اعزام کنه و تا رسیدن اون روز، فقط می شه حدس هایی درباره‌ی جهان کشف شده زد.

در این بین فرضیه ای هم وجود داشت که بر این اساس استوار بود: آتوئین از هیچ جای خاصی نیومده و سفرش رو تا ابد، با همون آهستگی دائمی و ثابتش به طرف ناکجا ادامه می ده. این فرضیه بین قشر تحصیل کرده رواج بیشتری داشت.

فرضیه ی دیگه ای هم بود که بیشتر از طرف قشر مذهبی پذیرفته شده و بر این اساس استوار بود: آتوئین هم مثل تمام سیاره های جهان، که لازم به ذکر نیست، همه روی پشت لاک پشت های غول پیکر حمل می شن. اینها از زادگاهش به طرف محل جفت گیری با جفتش می ره. این لاک پشت ها بعد از رسیدن به محل جفت گیری، با اشتیاق فراوان و البته خیلی مختصر، برای اولین و آخرین بار با هم جفت گیری می کنن و از این وصلت آتشین، لاک پشت های دیگه ای به دنیا می آن که دنیا های دیگه ای رو روی پشتشون حمل می کنن. این فرضیه رو به نام فرضیه ی بیگ بنگ می شناختن.

بنابراین یه لاک پشت کهکشانی شناس جوان طرفدار فرضیه ی «خزش آهسته» که حین آزمایشِ تلسکوپ جدیدش خدا خدا می کرد بتونه به نحوی مقدار دقیق درصد انعکاس نور تخم چشم راست آتوئین بزرگ رو محاسبه کنه، در یه غروب پُرماجرا، اولین بیگانه ای بود که بالا رفتن دود رو از مرکز دنیای تخت مشاهده کرد. اون دود از سوختن کهن ترین شهر دنیا به وجود اومده بود.

جناب دانشمند اون شب به حدی غرق مطالعاتش شد که قضیه رو به کل فراموش کرد. با این حال، اون اولین شاهد این ماجرا بود.

اما... افراد دیگه ای هم شاهد بودن...